

پیشگیری رشدمدار؛ بررسی فقهی و حقوقی (ایران و انگلستان)*

نیوشا قهرمانی افشار^۱

قدرت اله خسرو شاهی^۲

محمدرضا شادمانفر^۳

چکیده

در یک سیاست جنایی مبتنی بر آموزه‌های علمی، روش‌های مقابله با ناسازگاری کودکان و نوجوانان با بزهکاری بزرگ-سالان متفاوت است. شناسایی عوامل زمینه‌ساز بزهکاری و انحراف و تلاش در جهت رفع عوامل خطر در دوره‌های سنی رشد کودکان و نوجوانان اساس مداخلات زودرس را تشکیل می‌دهد که نیازمند ارایه برنامه‌ای جامع و مدون با همکاری نهادهای دخیل در امور مربوط به اطفال و نوجوانان خواهد بود. از دیگر سو، آموزه‌های فقهی جرم‌شناختی حکایت از آن دارد که کودکان و نوجوانان جزو آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه از لحاظ جسمانی، روانی و اجتماعی به‌شمار می‌روند. از این‌روست که قانون‌گذاران دنیا، حساس بودن این دوره سنی را دریافته و مبادرت به اتخاذ سازوکارها و تدابیر حمایتی نموده‌اند. استفاده از نهادهای جامعه‌پذیرکننده، تقویت سازوکارهای خودکنترلی، برنامه‌های حمایتی فردمدار، خانواده‌مدار، مدرسه-مدار، بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جهت ایجاد بسترهای لازم در راستای مانع‌سازی در گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری حائز اهمیت می‌باشد. در این نوشتار تلاش بر آن است تا پیشگیری رشدمدار در پرتو آموزه‌های فقهی و سیاست جنایی ایران و انگلستان را مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: مداخله زود رس، آموزه‌های فقهی، سیاست جنایی، خود کنترلی.

* تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۵/۲۰

۱- دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خواراسگان (اصفهان)، ایران، اصفهان.

۲- استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان (نویسنده اصلی).

۳- استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه اشرافی اصفهانی.

درآمد

آینده کودکان و نوجوانان همواره یکی از دغدغه‌های جوامع بشری بوده، اگرچه علی‌رغم این، همیشه هم مورد بی‌توجهی و بی‌مهری واقع شده‌اند. چگونگی تربیت شدن و شکل‌گیری سامانه شخصیت این گروه پایه‌های نظام رفتاری یک جامعه را بنیان می‌نهد. جوامع بشری باید با رویکردی همه‌جانبه‌نگر به چگونگی پرورش یافتن این نسل توجه نشان دهند. توجه به ویژگی‌های دوران کودکی و نوجوانی و شروع بحث علمی پیرامون آن، حدود ۱۵۰ سال قدمت دارد. نخستین دستاورد چنین رویکردی تأسیس دادگاه بزهکار در ایالت ایلینویز آمریکا در سال ۱۸۹۹ و ترتیب رسیدگی خاص به جرم‌های آنان بود (آشوری: ۱۳۹۲، ص ۲۱۹).

گرایش به بزهکاری در دوران کودکی، اطفال و نوجوانان را از طی مسیر رشد و تعالی بازداشته جایگاه آینده آنان را در اجتماع به مخاطره می‌اندازد. از همین روست که امروزه راهبرد بین‌المللی پیشگیری از جرم از سطح سوم (سزادهی، ناتوان سازی، اصلاح و درمان مجرمان) به پیشگیری زودرس تغییر کرده و در حال حرکت به سوی ترکیبی از راهبردهای پیشگیری اولیه (پیشگیری عمومی) و پیشگیری ثانویه (پیشگیری از بزهکاری افراد در معرض خطر) است. تلاش برای پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان در معرض خطر، مبانی حق‌محور دارد. شناسایی عوامل خطر گرایش به بزهکاری و همچنین شناسایی عوامل حمایت‌کننده کودکان و نوجوانان در مقابل این خطرهای دو رکن اصلی پیشگیری رشد‌مدار را تشکیل می‌دهند. امروزه، این قشر آسیب‌پذیر در حوزه‌های حقوق و تکالیف، و بزهکاری و بزه‌دیدگی مشمول مقررات، اصول و مطالعات افتراقی است؛ به‌گونه‌ای که فصل مستقلی در رشته‌های فقهی، تجربی و علوم جنایی را به خود اختصاص داده است. آسیب‌پذیری کودکان و نوجوانان - که ریشه در نابالیدگی روانی و دماغی و شخصیت در حال شکل‌گیری آنها دارد زمینه اتخاذ رویکرد متفاوتی از سوی حقوق کیفری و جرم‌شناسی را فراهم نموده است. کودکان و نوجوانان، چه بزهکار و چه بزه‌دیده، قربانیان کم‌توجهی و کوتاهی جامعه (محیط اجتماعی: خانواده، مدرسه و ...) در انجام تکالیف خود نسبت به آنها محسوب می‌شوند و از این‌رو، نیازمند حمایتی نو در جهت جبران کمبودهای عاطفی، روانی و آموزشی در فرایند جامعه‌پذیری هستند.

سیستم عدالت کیفری کودکان و نوجوانان در کشور ما در پرتو مقررات بین‌المللی مربوط به حقوق کودک از جمله کنوانسیون حقوق کودک، استفاده از یافته‌های جرم‌شناسی و نگاه بالینی اصلاحی در تعیین واکنش به رفتارهای ناسازگارانه کودکان و نوجوانان با گذشت بیش از سه دهه، فصل جدیدی را آغاز نموده که در مقررات کیفری پس از انقلاب اسلامی بی‌سابقه بوده است.

به‌هر حال، پیشگیری رشد‌مدار به‌منزله موضوع اصلی تحقیق حاضر یکی از اشکال پیشگیری اجتماعی است که به دنبال بهبود پایدار توانایی‌های اجتماعی اطفالی می‌باشد که خطر گرایش آنان به دنیای بزهکاری زیاد است. پایان پیشگیری رشد‌مدار احیای شرایط تربیتی عادی است به‌گونه‌ای که تکامل فکری، اجتماعی و اخلاقی طفل روال عادی خود را طی نماید. این نوع پیشگیری بر این اندیشه مبتنی است که رفتار و آداب اکتسابی دوران رشد، یعنی از تولد تا سن بزرگسالی زمینه ساز ارتکاب اعمال مجرمانه می‌شود. از این‌رو، نوشتار حاضر، پیشگیری رشد‌مدار را از منظر آموزه‌های فقهی و دو نظام حقوقی ایران و

انگلستان مورد بررسی قرار می‌دهد. بدین‌سان، نخست، به جایگاه کودکان و نوجوانان در آموزه‌های فقهی و جرم‌شناختی پرداخته می‌شود و سپس، حقوق رشدمدارانه کودکان، و جلوه‌های پیشگیری رشدمدار بیان می‌شود.

گفتار نخست کودکان و نوجوانان از منظر فقه و جرم‌شناسی

کودکان و نوجوانان به منزله قشر آسیب‌پذیر جامعه مورد توجه ویژه متخصصان علوم گوناگون از جمله فقه و جرم‌شناسان قرار گرفته‌اند. در این بند، ملاحظات فقهی و جرم‌شناختی راجع به کودکان و نوجوانان بررسی می‌شود.

الف) کودکان و نوجوانان از نگاه آموزه‌های فقه اسلامی

در دین مبین اسلام، کودک جایگاه ویژه‌ای دارد و این مکتب دستورات بسیار مهم و حساسی را در زمینه برخورد با کودک و رعایت همه جانبه حقوق وی به والدین ارائه می‌دهد که هدف تمامی آنها توجه خاص به کودک و تأکید بر اهمیت دوران کودکی می‌باشد و حتا بسیاری از آیات قرآن کریم و احادیث منقول از اولیای دینی، تأکید فراوان بر کامل شدن حقوق کودک داشته و والدین را ملزم به رعایت حقوق آنان نموده و آن را جزء لاینفک تکالیف دینی و مذهبی آنان می‌داند.

از نظر اسلام، کودک به مفهوم واقعی کلمه، «عطیه» (هدیه) الهی است^۱ و به این هدیه نباید بی‌حرمتی کرد، که رفتار پیامبر اکرم (ص) با دخترش فاطمه (س) بهترین نشانه این رفتار کرامت‌مدارانه است. در قرآن، حق حیات کودک به رسمیت شناخته شده است: «هرگز فرزندان خود را از ترس فقر به قتل نرسانید که ما رازق شما و آنانیم، زیرا قتل آنان گناه بزرگی است.» (آیه ۳۱ سوره اسراء) حتا سقط جنین در اسلام گناهی بزرگ و مستوجب عقوبت دنیوی و اخروی است.

مکتب اسلام برای تربیت، در تمام مراحل و مقاطع زندگی (حتی قبل از ولادت و حین تولد و دوران شیرخوارگی و غیره)، دستورهای ویژه‌ای داده است تا انسان از کودکی در کانون خانواده و در آغوش والدین، معلم و فرهنگ محیط، تعلیم و تربیت مناسب و لازم را ببیند و برای مراحل عالی‌تر زندگی انسانی آماده شود و پرورش یابد. در مورد اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت از نظر اسلام همین بس که در قرآن کریم بیش از هزار مرتبه خداوند با عنوان «رب» و صدها مرتبه با وصف «عالم» و «علیم» ذکر شده است: «رَبَّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (آیه ۵۰ سوره طه)؛ پروردگار ما کسی است که به هر موجودی آنچه لازم آفرینش او بود عطا فرمود و آنگاه هدایتش کرد (یعنی موجودات را تربیت و سپس به سوی مقصود هدایت کرد). افزون بر این، در آیین اسلام، تعلیم و تربیت فرزند، واجب و حق مسلم کودک بر پدر است. امام سجاد (ع) برای این کار از خداوند استمداد می‌کند «و اعننی علی تربیتهم و تأدیبهم و بریبهم» (علی بن الحسین (ع)، بی تا: ۸۹)؛ یعنی پروردگارا مرا بر تربیت و تأدیب و نیکی به فرزندانم یاری فرما.

کودک بیشتر تسلیم میل و رغبت‌های آنی است و به آینده توجهی ندارد. اراده‌اش ناپایدار بوده و در اثر زور و فشار، زود تسلیم می‌شود. کودک موجودی عجز است و برای حزم و احتیاط ارزشی قائل نیست. اما، زادی وی نباید به معنای عدم نظارت والدین و لاپابالی‌گری وی باشد. بلکه از اواخر این دوره که در واقع سن تمیز آغاز می‌گردد و والدین باید زمینه-

۱- «به هر که خواهد فرزند دختر و به هر که خواهد فرزند پسر اعطا کند یا در یک رحم دو فرزند پسر و دختر قرار می‌دهد و هر که را خواهد نازا گرداند.» (آیه ۵۰-۴۹ سوره شوری)

های آمادگی کودک جهت حضور در مدرسه و برخورداری از آموزش‌های رسمی را فراهم نموده و کم کم او را با هنجارها و مقررات اجتماعی آشنا سازند. یکی از مواردی که در این دوره سنی اهمیت آن زیاد بوده و در خور توجه می‌باشد مسئله بازی کودکان است. بازی‌های کودکانه ضمن تأثیر مثبتی که به لحاظ ایجاد فراغت بال در روح و روان کودک دارد جنبه آموزشی و سازندگی نیز دارد. بدین منظور است که اولیا و مربیان آگاه به پیروی از دستور پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «ابنک یلعب سبع سنین»؛ هرگز کودک خردسال را از بازی منع نمی‌کنند بلکه سعی دارند بازی وی را جهت داده و از آن به نفع کودک سود برند و ضرورت این امر در هفت سال اول زندگی بیشتر مورد توصیه پیشوایان اسلامی است (اردشیر، ۱۳۸۶). همچنین، رسول گرامی اسلام (ص) وجود حالت فعال را در طفل خردسال، نمایانگر فزونی خرد و اندیشه او در بزرگسالی دانسته و می‌فرمایند: «عرامه الصبی فی صغره زیاده فی عقله فی کبره» (بحارالانوار، ج ۱۴: ۳۷۸)؛ یعنی، شیطنت و لجاجت و ستیزه‌جویی کودک، در دوران خردسالی او، نمایانگر فزونی عقل و اندیشه او در بزرگسالی است.

شایان ذکر است، از آنجائی که ارتکاب جرائم از سوی اطفال و نوجوانان معمولاً بصورت اتفاقی و ناشی از عدم آگاهی، عدم توجه به نتایج حاصله از عمل، تبعیت از احساسات صورت می‌گیرد؛ از این رو، تقویت باورهای دینی بصورت عاملی درونی در جهت خود کنترلی و به‌عنوان ابزاری غیررسمی در جهت کنترل اجتماعی عمل می‌کند. حضور در جمع به طفل قدرت و شجاعت بیشتری می‌دهد و دست‌زدن به عمل خلاف آسان‌تر می‌نماید. طفلی که با دوستان مرتکب یک عمل مجرمانه می‌شود شاید هرگز به تنهایی قادر به انجام آن نباشد. از این روست که رعایت الگوهای دینی نهادینه‌ساز و فرهنگ تربیت اسلامی می‌تواند در پیشگیری از عضویت و پیوستگی به گروه‌های بزهکاری موثر باشد.

به همین ترتیب، از تأکیدات دین اسلام بر رعایت پوشش در حد معقول برای پدر و مادر است که منجر به بیداری زودرس گزینه جنسی یا تحریک آنی نگردد. پاسخ به سوالات جنسی کودکان نیز در عین صحت باید ظرافت خاصی داشته باشد و مسایل جنسی و قبحانه و بی‌پرده مطرح نگردند؛ زیرا در غیر این صورت کودکان دچار بلوغ زودرس و گرفتار نتایج ناگوار آن می‌شوند. در واقع نحوه صحیح انتقال مفاهیم دینی، اهمیت دادن به سن تکلیف و توجه به شرایط خاص دوران بلوغ زمینه‌ساز برخورداری از یک تربیت دینی و مصونیت در برابر بسیاری از آسیب‌ها می‌باشد.

لزوم حمایت از حقوق مالی و رعایت منافع مالی کودکان به‌ویژه ایتم در آیه ۲۲۰ سوره مبارکه بقره مورد تأکید قرار گرفته است. در مورد حمایت از کودکان در اثنای جنگ، طبق دستورات اسلامی، کودکان نباید در زمان جنگ آسیب ببینند. هر گونه استثمار و بهره‌کشی از افراد و از جمله کودکان و نوجوانان نظیر بهره‌کشی جنسی در احکام اسلامی ممنوع است.

حمایت و مراقبت از کودکان و نوجوانان به دلیل حساسیت دوره سنی آنان، در آموزه‌های اسلامی بسیار مورد تأکید است. دین آسمانی اسلام و حقوق متأثر از آن، نخستین و شایسته‌ترین گام را در جهت قبول و اجرای اصل فقدان مسئولیت کیفری اطفال (در کنار اصول متعدد دیگر) برداشته است و در ایامی که اطفال بدون داشتن کم‌ترین جرم و گناهی مجازات شده و یا با داشتن اندک تقصیری، کیفر سخت و نامتناسبی تحمل می‌کردند، به ارائه این اصل بر جوامع بشری و نظام‌های حقوقی حاکم بر آنها مبادرت ورزیده است و بی‌تردید در بروز تحول حقوق کیفری در جهان نسبت به ایجاد نگرش نوین مربوط به این موضوع در این قوانین و مقررات و پذیرش فقدان مسئولیت کیفری افراد نابالغ نقش بسزایی ایفا کرده است.

مبنای قبول این اصل در شریعت و حقوق اسلامی آن است که اصولاً تحقق مسئولیت کیفری بر پایه ادراک، تمیز و اختیار استوار است. این ویژگی‌ها پس از تولد در انسان وجود ندارد، اما به تدریج و در کنار رشد جسمی، قوای عقلی و دماغی وی نیز رشد می‌یابد. در کتب و ابواب فقهی مربوط، همواره بلوغ یکی از شرایط تحقق مسئولیت کیفری و اعمال مجازات مقرر در باره مرتکب قلمداد شده است. برای نمونه، راجع به شرایط قاذف چنین آمده است: «ويعتبر في القاذف الذي يحد الكمال بالبلوغ والعقل» (جبل‌العاملی، ۱۳۹۰ ه. ق: ۱۷۵)؛ یعنی شخص قاذف باید کامل (به بلوغ و عقل) باشد. به همین ترتیب، حدیث «رفع قلم»^۱ (حرالعاملی، ۱۴۰۳ ه. ق: ۳۴) نیز بر این معنا اشاره دارد. با وجود آن که بلوغ در فقه اسلامی شرط لازم برای مسئولیت کیفری است؛ لیکن به نظر می‌رسد که رسیدن به سن بلوغ به تنهایی برای تحمیل مسئولیت کیفری و مدنی کافی نباشد. بلکه در این راستا ضرورت دارد که سن رشد نیز در کنار سن واقعی بلوغ (که مبتنی بر واقعیات اجتماعی امروز باشد) به عنوان پایه دوم برای احراز مسئولیت کیفری کامل در قوانین کیفری ما به صراحت پیش‌بینی شود.

علی‌رغم پذیرش اصل عدم مسئولیت اطفال در فقه اسلامی، استثنائاتی همانند سایر اصول بر آن وارد شده است و بر اساس موازین فقهی و روایات رسیده از امامان علیهم السلام، امکان اعمال برخی از مجازات درباره افراد مزبور وجود دارد. برای نمونه، چنانچه نابالغ مرتکب جرم‌های حدی نظیر لواط یا قذف گردد، حد در مورد وی اجرا نمی‌شود و صرفاً مورد تعزیر (تأدیب) قرار می‌گیرند.^۲ شایان ذکر است استثنائات پذیرفته شده بر اصل فقدان مسئولیت کیفری صغار، اصولاً مربوط به بروز رفتارهای مجرمانه خلاف عفت، حیثیت و شرافت انسانی و نیز اصول اخلاقی از سوی اطفال و افراد نابالغ می‌باشد. به عبارت دیگر، استثنائات مذکور در قلمرو حدود و تعزیرات مورد توجه قرار گرفته است.

ب) کودکان و نوجوانان از نگاه آموزه‌های جرم‌شناسی

با پیدایش مکتب تحقیقی در ربع آخر سده نوزدهم نگرش علمی نسبت به پدیده مجرمانه شکل می‌گیرد و دانش نوینی به نام جرم‌شناسی که مطالعه پدیده مجرمانه را عهده‌دار می‌شود، طیف رشته‌های تشکیل دهنده علوم جنایی را وسعت می‌بخشد. چنین است که از آن پس محققان با توسل به مشاهده و تجربه و با توسل به روش‌های پژوهش علمی به تبیین عوامل ارتکاب جرم و تلقی بزه به عنوان یک پدیده اجتماعی و نه یک جوهر صرف حقوقی می‌پردازند.

یکی از عوامل اکتسابی بزهکاری در جرم‌شناسی علت‌شناختی، «سن» است. «سن عامل جرم‌زای گذرا است؛ زیرا، انسان از تولد تا زمان فوت، از ادوار مختلف سنی عبور می‌کند و هر دور سنی اقتضائات و لوازم و طبع خاص خود را دارد.» (نجفی-ابرنادآبادی، ۱۳۸۳: ۱۴۸۶) از منظر جرم‌شناسی دوره‌های سنی به ۵ گروه تقسیم می‌شود: اول از تولد تا ۱۲ سالگی؛ دوم از ۱۲ تا ۱۸ سالگی؛ سوم از ۱۸ تا ۳۰ سالگی؛ چهارم از ۳۰ تا ۶۰ سالگی؛ و پنجم از ۶۰ سالگی به بالا (همان: ۱۴۸۷). دو گروه اول و دوم یعنی کودکان و نوجوانان از جمله گروه‌هایی به حساب می‌آیند که به جهت آسیب‌پذیری آنان از لحاظ بزهکاری و بزه‌دیدگی مورد توجه وافر علم جرم‌شناسی قرار گرفته‌اند. این دوره سنی حساس در جرم‌شناسی چه از جهت

۱- «رفع القلم عن الثلثة، عن الصبی حتی یحتلم و عن المجنون حتی یفقی و عن النائم حتی یتقیظ».

۲- برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: امام خمینی (ره)، سیدروح الله، تحریر الوسیله، جلد ۲، تهران مکتبه الاعتماد، ۱۴۰۳ ه. ق: اسماعیل تبار، احمد، عدالت کیفری کودک در منابع فقه شیعه، در: مجموعه مقالات همایش ملی عدالت کیفری کودکان و نوجوانان در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی، تهران، انتشارات دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۲، صص ۱۵۲-۱۳۸.

علت‌شناختی و چه از جهت ارائه راهکارهای پیشگیرانه کیفری و غیرکیفری، تفکیک گردیده است تا متناسب با هر گروه، تدابیر ویژه آن اتخاذ گردد.

بدین‌سان، سن به‌عنوان یک متغیر ذاتی در جرم‌شناسی به دوره‌های مختلف تقسیم شده و تبعات آن مشخص گردیده است. از آنجا که اطفال از لحاظ شخصیتی در حال شکل‌گیری بوده و استعدادها و استعدادپذیری دارند، برای جلوگیری از رفتارهای منحرفانه در آنها لازم است اقدامات خاصی در نظر گرفته شود. از جمله این تدابیر و اقدام‌های خاص در جرم‌شناسی، پیشگیری رشد‌مدار یا پیشگیری زودرس (در مقابل بزهکاری زودرس^۷) است که از طریق اتخاذ سازوکارهای مختلف در فرایند رشد فرد به پیشگیری از ناسازگاری می‌پردازد و به عبارتی، درصدد است به‌طور زودرس، طفل و نوجوان را از ارتکاب جرم بازدارد.^۸ شایان ذکر است که برخی از اطفال و نوجوانان علی‌رغم پیشگیری زودرس به ارتکاب جرم مبادرت می‌ورزند. شناسایی علایم و نشانه‌های انحراف و بزهکاری در اطفال و نوجوانان از اصلی‌ترین لازمه‌های پیشگیری رشد‌مدار است. در این حالت دو راه‌حل وجود دارد: نخست، توسل به حقوق کیفری یعنی بُعد قهرآمیز و اجبارکننده و نهادهای اجتماعی که راه‌حل‌های ساده‌ای نظیر زندان و کیفرهایی از این قبیل جلوی ارتکاب جرم را می‌گیرند. دوم، از طریق مؤسسات بینابین که نه زندان هستند و نه خانه، بلکه نهادهایی هستند که شبیه به زندان می‌باشند و به نوعی به دنبال اصلاح وی برمی‌آیند (همان: ۹۱۵).

شایان ذکر است از نظر جرم‌شناسی، کودکان زیر ۱۲ سال، کم‌تر مرتکب تخلف و جرم می‌شوند و اگر هم رفتاری را مرتکب گردند رفتارها آنها حکایت از انحراف^۹ دارد. ارتکاب برخی انحرافات و تخلفات در این دوره سنی حاوی یک پیام و نیاز و توجه خاص است و باید به‌عنوان علایم وجود آسیب در محیط زندگی طفل تحلیل شود.

دوره سنی ۱۸ تا ۱۲ سال یا دوره نوجوانی از آنجا که مصادف با استقرار نسبی تمیز در اطفال است، ارتکاب جرم معنادار است و باید به دنبال عامل ارتکاب جرم باشیم. مطالعات نشان داده است چنانچه افراد زودتر از سنین متعارف مرتکب خلاف و جرم شوند و رفتارهای منحرفانه از خود نشان دهند و دستگاه قضایی، خانواده‌ها و پلیس نسبت به جرایم این افراد به مجازات سنتی و برخورد متعارف با این‌ها روی آورند و به دنبال حل معضل این افراد نباشند، تبدیل به بزهکاران مکرر و مزمن خواهند شد (همان، ج ۲: ۱۴۸۸).

گفتار دوم: حقوق رشد مدارانه اطفال در قوانین و مقررات ملی

در گستره قوانین و مقررات ملی، حقوق رشد مدارانه اطفال مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است و می‌توان جهت‌گیری حمایتی نسبت به اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ایران و سایر سیاست‌گذاری‌های کلی مشاهده نمود. حمایت از مادران به ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست و نیز اعطای قیمومت فرزندان به مادران

۲- نقض هنجارهای اساسی جامعه در سنین پایین را از نظر جرم‌شناسی، بزهکاری زودرس می‌نامند. بزهکاری زودرس نشانه بزهکاری مزمن است و این امر امکان دارد ناشی از محیط خانواده یا مدرسه (اشتباهات والدین یا آموزگاران) یا نابرابری یا رفتار سوء همسالان باشد؛ چراکه، این محیط‌ها و افراد در جامعه‌پذیری فرد نقش مهمی دارند.

۱- شناسایی علایم و نشانه‌های انحراف و بزهکاری در اطفال و نوجوانان از اصلی‌ترین لازمه‌های پیشگیری رشد‌مدار است. در پیشگیری رشد‌مدار منتظر ارتکاب جرم نمی‌مانیم.

۳- انحراف، نقض و پشت کردن به هنجارهای عادی جامعه است که قانون‌گذار آنها را جرم‌انگاری نکرده و فاقد ضمانت اجرای کیفری می‌باشند و صرفاً با سرزنش اجتماعی مواجه هستند. در مقابل، جرم رفتاری است که هنجارهای اساسی جامعه را نقض کرده و دارای ضمانت کیفری است.

شایسته در جهت غبطه آنان از رویکردهای اساسی حمایتی در قوانین داخلی است (بند ۲ و ۵ اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

الف) حق بقا

طبق ماده ۹۵۶ قانون مدنی انسان با زنده متولد شدن از حقوق خود برخوردار می‌گردد لکن حمل در دوران قبل از تولد نیز مورد حمایت قانون‌گذار ایران است.^{۱۰} مطابق ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی حمل در دوران قبل از تولد حق برخوردار از نفقه داشته و والدین تکلیف قانونی به تامین تغذیه مناسب برای نوزادان دارند. در صورتی که زن حامله مطلقه باشد به جهت تکلیف پدر به تامین نفقه فرزندان خود (۱۱۹۹ قانون مدنی) و به جهت اهمیت تغذیه مادر رشد جنین، زن تا زمان وضع حمل مستحق دریافت از نفقه همسر سابق خود است (۱۱۰۹ قانون مدنی). از جمله اعطای یک ساعت مرخصی شیردهی برای مادران شیرده شاغل علاوه بر مرخصی استحقاقی تا رسیدن کودک به سن ۲۰ ماهگی و مکلف کردن سازمان‌ها برای ایجاد مکان مناسب جهت شیردهی در کنار محل کار نیز از اقدامات موثر در این زمینه است.^{۱۱}

ب) حق هویت

ولادت هر طفل در ایران اعم از اینکه پدر و مادر طفل ایرانی یا خارجی باشند، باید به نماینده یا مامور ثبت اعلام شود و ولادت اطفال ایرانیان مقیم خارج از کشور به مامور کنونی ایران در محل اقامت و اگر نباشد به نزدیک‌ترین مامور کنونی و یا به سازمان ثبت احوال کشور اعلام شود.^{۱۲} این حق به اطفال حاصل از رابطه نامشروع تعلق دارد که با تلقی عنصر مذکر رابطه نامشروع به عنوان پدر عرفی طفل کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده وی می‌باشد.^{۱۳}

پ) حق حمایت و مراقبت

در قوانین داخلی حق کودکان مبنی بر برخورداری از حمایت و مراقبت با عنوان «حضانت» مورد تاکید قرار گرفته است. طبق ماده ۱۱۸۶ قانون مدنی حضانت اطفال تکلیف والدین است و طبق ماده ۱۱۷۳ همین قانون هیچیک از والدین نمی‌توانند مادامی که حضانت و نگهداری طفل به وی محول شده است، از انجام این امر استنکاف نمایند زیرا حق حضانت مقرر شده برای اطفال جنبه امری داشته و اراده فرد در آن بی تاثیر است^{۱۴} (بازگیر، ۱۳۸۷: ۵۹۵). تامین نفقه طفل نیز برعهده پدر و (در صورت فوت) و وظیفه اجداد پدری و در صورت نبود ایشان برعهده مادر و پس از او اجداد و جدات مادری و پدری است و قانون‌گذار مستنکلف از پرداخت نفقه اولاد را مستحق مجازات کیفری حبس قرار داده است. همچنین انجام مراقبت‌های

۱۰ ماده ۹۵۷ ق.م. و مواد ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۲۳، ۶۸۶ و ۷۲۱-۷۱۶ از قانون مجازات اسلامی (کتاب دیات).

۱۱ ماده ۳ و تبصره‌های ۱ و ۲ این ماده از قانون ترویج تغذیه با شیر مادران در دوران شیردهی مصوب ۷۴/۱۲/۲۳. ضمناً قانون‌گذار نیز طی مواد ۷۶ تا ۷۹ از مادران کارگر شیرده در دوران شیردهی حمایت کرده است.

۱۲ ماده ۱۲ قانون ثبت احوال مصوب تیرماه ۱۳۵۵، مفاد این ماده قبلاً در ماده ۴ قانون سجل احوال مصوب ۱۳۰۷/۵/۲۰ نیز مورد تاکید قرار گرفته بود.

۱۳ رای وحدت رویه شماره ۶۱۷-۷۶/۴/۳ هیئت عمومی دیوانعالی کشور

۱۴ نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه

بهدشتی اولیه به ویژه بهداشت مادران و کودکان^{۱۵}، اعطای پوشش مالی و حمایتی برای خانواده‌های معدومین (کودکان، همسران و افراد تحت تکفل^{۱۶}) حمایت و نگهداری از زنان و کودکان بی‌سرپرست و ایجاد امنیت اقتصادی و اجتماعی در زندگی آنها^{۱۷} و انجام اقدامات لازم در زمینه ساماندهی کودکان خیابانی و بسیاری از وظایف دیگر که به عهده دستگاه‌های دولتی قرار گرفته است.

ت) حق تابعیت

طبق قانون مدنی علاوه بر اعمال سیستم خاک در اعطای تابعیت، افرادی که از پدر ایرانی در داخل یا خارج ایران متولد شده باشند. کسانی که از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها متولد ایران باشد در ایران متولد شوند، کودکانی که در ایران یافت شوند و تابعیت خارجی آنها مسلم نباشد، اولاد صغیر اشخاص خارجی تابعیت ایران را تحصیل می‌کنند نیز تبعه ایران محسوب می‌شوند (مواد ۹۷۶ و ۹۸۴ قانون مدنی). با توجه به اینکه داشتن تابعیت از آثار به رسمیت شناختن حقوق فردی و اجتماعی شخصی از سوی دولت است. نداشتن تابعیت موجب تضییع این حقوق و از بین رفتن موقعیت اجتماعی شخص گردیده و موجب می‌گردد تا کودکانی که دلیل نداشتن تابعیت از حمایت دولت برخوردار نیستند، در معرض بزه‌دیدگی جرائمی چون قاچاق، فحشاء و خشونت‌های جنسی قرار می‌گیرند.

ث) حق عدم تبعیض

مطابق اصل ۲۰ قانون اساسی تمام ایرانیان از جمله کودکان صرفنظر از جنس، رنگ، نژاد، زبان و مذهب باید از حمایت‌های قانونی مساوی برخوردار گردند. مطابق ماده ۱۱ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۵۴ حقوق کودکان تحت سرپرستی نیز از لحاظ نگهداری، تربیت، نفقه و احترام همانند حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر اوست. بنظر می‌رسد یکی از فاکتورهای نگرش حمایتی قانونگذار نسبت به اطفال بالا بردن سن مسئولیت کیفری آنان است. البته با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقنن رویکرد متفاوتی نسبت به بزهکاری اطفال داشته و آنان را از اقدامات ارفاقی و مراقبتی برخوردار نموده است. اما قطعاً در این زمینه کاهش سن مسئولیت کیفری می‌تواند تبعات مثبت زیادی در بازپروری و ایجاد فرصت مجدد جهت بازگشت به اجتماع اطفال را از یکسو و از سوی دیگر امکان برخورداری بیشتر آنها از حمایت‌های مقنن در عرصه عدالت کیفری را فراهم نماید.

ج) حق برخورداری از خانواده

کودکان حق داشتن خانواده و تحت سرپرستی آنان قرار گرفتن را دارا هستند. بموجب ماده ۱۱۶۰ و ۱۱۵۹ و ۱۱۵۸ قانون مدنی طفل متولد از نکاح صحیح در دوران زوجیت ملحق به شوهر است و کودک را نمی‌توان جز به دلایل قانونی از

۱۵ بند ۲ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۶۷/۳/۳

۱۶ تبصره ۳ ماده ۲ آیین نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد

۱۷ ماده واحده قانون راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۵۹/۳/۲۴ و مواد ۱ و ۴ آیین نامه اجرایی قانون تامین زنانی و کودکان بی‌سرپرست

ابوین او یا از پدر و مادری که حضانت با اوست جدا نمود. بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک و ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق کودک نیز مسئولیت مشترک والدین را در زمینه پرورش و رشد کودک مورد تاکید قرار داده‌اند.

ج) حق اجتماعی شدن

حق برخورداری از شرایط مناسب در محیط خانواده جهت هنجارپذیری و آموزش الگوهای مناسب که کودک در محیط خانواده دارای آنچنان اهمیتی است که اگر خانواده نتواند چنین محیط مطلوبی را برای فرزندان ایجاد نماید ضرورت اقتضا می‌کند که کودک از محیط خانواده جدا گردد (بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون حقوق کودک). طبق ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی زوجین مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند و طبق ماده ۱۱۰۴ همان قانون باید در تربیت فرزندان با یکدیگر همکاری نمایند. اعتیاد به الکل، ابتلا به بیماری‌های روانی، سوءاستفاده از طفل و اجبار او به قاچاق و تکدی‌گری و ضرب و جرح بر علیه او از مواردی است که سلامت اخلاقی و جسمانی و روانی کودک را به مخاطره می‌اندازد.

ح) حق رفاه

بموجب بند ۱ ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک دولت‌ها موظف شده‌اند که حق کودک را برای برخورداری از سطح زندگی مناسب برای رشد جسمی، ذهنی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی به رسمیت بشناسند. قطعاً ناتوانی دولت‌ها در تامین امکانات و وسایل و خدمات مناسب برای رفع این تقاضاها منجر به بروز آسیب‌های اجتماعی و ناپه‌نجاری‌ها خواهد شد.

خ) حق حفاظت در برابر بی‌توجهی‌ها و سوءرفتار

سوء رفتار نسبت به کودکان می‌تواند آنها را در معرض بزهکاری و بزه‌دیدگی قرار دهد. حمایت‌های قانونی از اطفال و کودکان می‌تواند بستر این بزهکاری و بزه‌دیدگی را از میان برده و یا حداقل تا حد زیادی کاهش دهد. مطابق مواد ۱، ۲ و ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، هر نوع اذیت و آزار و تعرض به کودکان و نوجوانان را از جرایم عمومی برشمرده که نیاز به شکایت شاکی خصوصی ندارد. همچنین ضمانت اجرای کیفری نیز برای آن برشمرده، استفاده از اطفال صغیر بعنوان وسیله تکدی (ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵)، قاچاق کودکان (تبصره ۱ ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۸۳/۴/۲۸)، توهین به کودک، عدم پرداخت نفقه کودک (ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) و مزاحمت برای اطفال در اماکن و معابر عمومی (ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) را جرم و متسوجب مجازات دانسته است.

د) حق آموزش و پرورش

در قانون اساسی، دولت موظف است آموزش عالی را در تمام سطوح در دسترسی افراد ملت قرار دهد. به موجب قانون اصلاح قانون آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی مصوب ۱۳۵۰/۳/۲۹، تحصیلات تا پایان دوره راهنمایی اجباری است. آموزش اطفالی که به سن سواد آموزی رسیده‌اند و در مناطقی زندگی می‌کنند که آموزش و پرورش در آن مناطق

حضور ندارد، بر عهده نهضت سواد آموزی است. قانونگذار حق تحصیل کودکان را با تعیین ضمانت اجرای کیفری مورد حمایت قرار داده و پدر و مادر یا سرپرستان قانونی را که با داشتن تمکن مالی مانع ادامه تحصیل کودکان شوند و یا پس از ابلاغ حکم دادگاه به تکلیف مقرر در حکم عمل ننموده و یا پس از اجرای حکم، کودک یا نوجوان را از تحصیل باز دارند به جزای نقدی، حبس و تامین هزینه معاش و تحصیل کودک یا نوجوان خود محکوم خواهد نمود (ماده ۴ قانون تامین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی).

موارد مذکور از مصادیق حقوق رشدمداران اطفال هستند که بیانگر این واقعیت است که نگرش جامع به بحث پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان مستلزم به رسمیت شناختن حقوق رشدمداران اطفال از قبیل حق رفاه، آموزش، حق بقا و هویت، حق برخورداری از تفریحات سالم و سایر حقوق ایشان است و در نظر گرفتن عوامل موثر بر رشد شخصیت و بالندگی طفل در دوران کودکی و بالفعل نمودن استعدادهای بالقوه او در جهت تعالی می‌تواند زمینه‌های میل به بزهکاری را در آینده از سوی ایشان از بین ببرد.

گفتار سوم جلوه‌های پیشگیری رشدمدار

کودکان به دلیل آسیب‌پذیری بالا در معرض انواعی از خطرات قرار دارند که از عوامل گوناگونی نشأت می‌گیرند. نخست، عوامل خطر فردی شامل خطر زیستی (قبل و بعد از تولد) و خطر روانی مانند: ضعف اعتماد به نفس، ضعف عزت نفس، عدم قدرت تصمیم‌گیری، ضعف مهارت‌های ارتباطی و غیره؛ دوم، عوامل خطر اجتماعی شامل محیط خانواده نظیر کمبودهای خانوادگی، ناتوانی در تربیت، خشونت و تندروی، افراط در توجه و محبت، اعتیاد والدین، جدایی والدین؛ و محیط مدرسه نظیر اختلال در کارکردهای رشدی (نقص مهارت‌های تحصیلی، عدم ایجاد و تقویت انگیزش موفقیت تحصیلی، روش تدریس و رفتار نامطلوب معلم)، اختلال در کارکرد کنترلی (نقص کنترل بیرونی و نقص کنترل درونی). جرم‌شناسان در راستای مبارزه با عوامل خطری که در گرایش کودکان به بزهکاری تأثیرگذاراند، سازوکارها و تدابیر پیشگیرانه اجتماعی از نوع رشدمدار را پیشنهاد می‌نمایند. بنابراین، در این گفتار، جلوه‌های پیشگیری رشدمدار از بزهکاری زودرس طی سه بند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) پیشگیری رشدمدار در آموزه‌های دینی

دین و تعالیم دینی نقش مؤثری در بازدارندگی فرد از بزهکاری دارند. آیه ۴۵ سوره عنکبوت صراحتاً عنوان کرده که: «إن الصلاة تنهى عن الفحشا والمنکر»؛ یعنی، به‌درستی نماز افراد را از گرایش به بزهکاری (فحشا و منکرات) باز می‌دارد. نقش روزه نیز به‌عنوان یکی از واجبات دینی تقوا و پرهیزگاری و غلبه بر نفس می‌باشد (آیه ۱۸۳ سوره بقره). حج و زکات سایر اصول و فروع دین نیز دارای کارکرد پیشگیرانه می‌باشند. همچنین، بر اساس تعالیم عالی اسلام، امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان بهترین شیوه کنترل اجتماعی غیررسمی ترسیم شده است: «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر».

آنچه مسلم است اولین نقش در آموزش تعالیم دینی به کودکان و نوجوانان بر عهده نهاد خانواده و پس از آن مدرسه و سیستم آموزشی است، این امر به موازات همکاری و مشارکت حاکمیت در تأمین امنیت جامعه و سالم‌سازی آن می‌باشد. از دیدگاه امام علی(ع) وجود حکومت برای هر جامعه‌ای ضرورت دارد؛ چراکه به سامان رسانیدن امور اجتماعی و صلاح مردم در گرو وجود حکومت است و بی‌حکومتی چیزی جز هرج و مرج ندارد. از دیدگاه حضرت، حکومت امیر ستمگر از بی-حکومتی بهتر است که در این مورد ایشان می‌فرمایند: شیر درنده بهتر از سلطان ستمکار و سلطان ستمکار بهتر از فتنه‌های همیشگی است.

در خصوص معاشرت‌های ترجیحی یا افتراقی نیز اسلام مؤکداً اظهار می‌دارد که معاشرت با صالحان و پاکان بر سیره و رفتار فرد اثرگذار بوده و مانع بسیاری از انحرافات می‌گردد. امام علی(ع) در این خصوص می‌فرماید: «به نیکوکاران برسید تا از آنان باشی و از بدان بگسل تا از آنان نباشی و پیش از راه از همراه و پیش از خانه از همسایه بپرسی.» (نهج البلاغه، نامه ۴۷). در خصوص تأثیر فقر بر بزهکاری نیز باید اذعان کرد که فقر والدین موجب نبود فرصت کافی بر نظارت والدین بر رفتار فرزندان بوده و موجب می‌گردد که کودکان در اثر همنشینی با گروه‌های ناسالم، خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه آنان را آموخته و زمینه‌های انحراف براحتی برایشان میسر می‌گردد.

در قرآن کریم از مراحل رشد انسان زمان حمل، بلوغ حُلُم، بلوغ نکاح و بلوغ اُشُد و در موارد اشاره به پیری گردیده است. برای نمونه، بلوغ حلم در آیه ۵۹ سوره نور ذکر گردیده است: «و إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ یعنی، و چون کودکان شما به سن بلوغ رسیدند باید از شما کسب اجازه کنند همان‌گونه که آنان که پیش از ایشان بودند کسب اجازه کردند خدا آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌دارد و خدا دانای سنجیده‌کار است.

اگرچه در جرم‌شناسی برای شروع بزهکاری انسان سن‌های مختلفی اعلام شده است و به تناسب رشد انسان از نظر بدنی و نیروی حیاتی و شهوانی تمایل به ارتکاب جرم نیز افزایش یافته تلقی گردیده و حتی در برخی سن‌ها به اوج خود می‌رسد (کی‌نیا، ۱۳۷۰: ۳۲۸). اما با نگرش در آیات قرآن مجید مشخص می‌شود که سن خاصی در طول مراحل مختلف سن انسان برای بزهکاری تعیین ننموده است. آنچه مورد تأکید قرآن کریم است تربیت و تعلیم دوران طفولیت، کودکی و بلوغ می‌باشد. این مهم، نشانگر این معنا می‌تواند باشد که قسمت اعظم گرایش‌های انحرافی و جنایی ریشه در این دوران دارند. بنابراین تدابیر پیشگیرانه مبتنی بر مداخله‌های روانی اجتماعی در مراحل رشد کودکان و نوجوانان در هر یک از قالب‌های پیشگیری اجتماعی و وضعی که مورد تأکید جرم‌شناسی است نشانه‌های مهمی در قرآن دارد.

«برنامه‌های مداخله روان‌شناختی اجتماعی زودرس در واقع باید منجر به جلوگیری و متوقف کردن عوامل خطری بشود که صغار در معرض آنها هستند یعنی عوامل خطری که احتمال پذیرش و تقلید رفتار مجرمانه پایدار توسط اطفال را در آینده افزایش می‌دهند.» (کاری‌یو، ۱۳۸۱: ۲۶۸).

تنظیم محیط خانواده، عامل اساسی در پیشگیری نخستین از تکوین موقعیت‌های مجرمانه به‌شمار می‌رود. به دیگر سخن، وضع محیط خانوادگی در سازگار نمودن افراد با محیط اجتماعی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند؛ زیرا، آرامش و امنیت، رأفت و محبت از بسیاری از انحرافات پیشگیری می‌نماید. اتحاد و اتفاق و همبستگی در محیط خانواده قدرت

مقاومت را در برابر محرومیت‌ها، ناملاایمات و مشکلات زندگی افزایش می‌دهد. نگاه قرآن کریم به خانواده‌ها و ارائه الگو برای رفتارهای اعضای آن که مرد و زن زوج و زوجه در رأس آن قرار دارند با هدف سعادت‌مندی آنها صورت می‌گیرد. برابری زن و مرد در ارزش‌های انسانی و برتری نداشتن آنها به یکدیگر جز به تقوای الهی خود بهترین شروع مسیر سعادت در خانواده است (آیه ۱۹۵ سوره آل عمران). اساساً محیطی که قرآن کریم برای خانواده‌ها اعم از پدر، مادر و اولاد ترسیم می‌کند محیطی است که در آن خدامحوری نقش اصلی را دارد؛ چه این که در این مسیر مودت، آسایش، حسن معاشرت، مهربانی و محبت جز با تقوای الهی امکان‌پذیر نخواهد بود و بر همین مبنا است که پرهیزگارترین از زنان و مردان نزدیک‌ترین به خدا معرفی می‌شوند: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شما است، خداوند دانا و خبیر است.» (آیه ۱۳ سوره حجرات)

بدین‌سان، وجود محبت والدین برای کودک و رشد عاطفی او ضروری است. همان‌طور که برای رشد جسمانی، کودک به انواع و اقسام مواد غذایی و پروتئینی احتیاج دارد، به همان ترتیب نیز برای رشد عاطفی خود و ورود به اجتماع احتیاج به محبت و احساسات عاطفی دارد. کودکان بیش از غذای خوب، لباس گرم، اسباب بازی و هوای آزاد، نیازمند آن هستند که مقبول والدین قرار گیرند و دوست داشته شوند و احساس کنند که به کسی تعلق دارند. پس، اهمیت تربیتی خانواده بر کسی پوشیده نیست؛ چرا که خانواده در تکوین شخصیت کودکان نقش عمده‌ای ایفا می‌کند، ولی خانواده‌های نابسامان که فضای تربیتی حاکم بر آن توأم با خشونت، تنبیه، تحقیر می‌باشد، بزرگ‌ترین ضربه را به روح و روان کودکان و نوجوانان وارد می‌سازد و این سیر آغاز بزهکاری نوجوانان یا کودکان می‌باشد.

افزون بر این که رعایت حقوق هر یک از زوجین نسبت به یکدیگر و نیز رعایت حقوق والدین توسط اولاد تأثیر مستقیم بر زندگی آنان دارد، در قرآن کریم حقوقی از جمله، تغذیه مناسب، انتخاب اسم نیکو، تقویت ارتباط کلامی، ادب در محاورات، چشم‌پوشی از خطا، فراهم کردن مقدمات ازدواج و غیره برای کودکان بر عهده والدین گذاشته شده است که رعایت آنها مورد تأکید بوده و در ساختار شخصیتی کودکان و دور نمودن آنان از محیط‌های آلوده نقش به‌سزایی خواهد داشت. گرچه نقش والدین عمدتاً روی نقش تربیتی خلاصه می‌شود و لیکن محیط خانواده در صورتی که اعضای آن توأم با مودت و رحمت، حسن معاشرت، خوش‌رفتاری، حفظ حقوق والدین و اولاد، دوری از معاصی و اطاعت فرامین الهی زندگی کنند، محیط مناسبی برای رشد بزه و بزهکاری و تحقق زمینه‌های آن نخواهد بود (رشادتی، ۱۳۸۷: ۳۰۲ و ۳۰۳). آیات ۱۹ و ۱۳ سوره لقمان منشوری از آنچه والدین لازم است به فرزندان آموزش دهند را نشان داده است. به عبارت دیگر، این آیات مبارک اصول صحیح تربیتی را ارائه می‌دهد و دلالت بر توجه تکلیف والدین نسبت به فرزندان دارد.

اهمیت تأثیر والدین بر عملکرد کودکان و نقش تربیتی آنها آن‌چنان اهمیتی دراد که قرآن کریم تأکید می‌نماید که قبل از تولد به فکر آینده فرزندان باید بود. در آیه ۷۴ سوره فرقان در این باره آمده است: «آنها کسانی هستند که می‌گویند پروردگارا از همسران و فرزندان ما، مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را پیشوای پرهیزگاران بنما!»

ب) پیشگیری رشدمدار در گستره قوانین و مقررات ایران

در ایران، آموزش و پرورش در زمینه جرم‌شناسی و پیشگیری از جرم نخست در مؤسسه‌های علمی دانشگاهی و سپس در مراجع قضایی اجرایی در حد تصویب مقررات و آیین‌نامه مورد توجه قرار گرفته است. از جمله این که دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۰ خورشیدی، نخستین مؤسسه تحقیقاتی علوم جزایی و جرم‌شناسی - برای نمونه در خصوص پیدا کردن روش‌های مؤثر بر پیشگیری از جرم را بنیاد نهاد. در سال ۱۳۳۱ وزارت دادگستری به عضویت جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی درآمد و آیین‌نامه زندان‌ها و مؤسسه‌های صنعتی و کشاورزی وابسته به زندانی‌ها در تاریخ ۱۳۵۴/۴/۱۹ در خصوص طرح‌های مؤثر در پیشگیری از وقوع جرم و تهذیب اخلاق زندانیان تدوین شد. قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهاکار مصوب ۱۳۳۸ نیز با اولویت دادن به تربیت و اصلاح اطفال و نوجوانان بزهاکار از دیگر فعالیت‌های پیشگیرانه قبل از انقلاب اسلامی است.

پس از انقلاب اسلامی، مجلس خبرگان در نخستین گام، بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی را به پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان اختصاص داد. سپس در سطوح مختلف دانشگاهی، قانونگذاری، قضایی و اجرایی بحث‌های جرم‌شناختی به‌ویژه پیشگیری از وقوع جرم مدنظر حقوق‌دانان، قانونگذاران، قضات و دست‌اندرکاران اجرایی قرار گرفت.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در کنار اصلاح مجرمان، پیشگیری از جرم را صریحاً در بند ۵ اصل ۱۵۶ مطمع نظر قرار داده و این موضوع نشانگر اهمیت و نقش اساسی پیشگیری از جرم به‌منزله یکی از ابزارهای مهم کنترل جرایم است. ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ مقرر می‌داشت: «اقدامات تأمینی عبارتند از: تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم در باره مجرمان خطرناک اتخاذ می‌کند.» از جمله کسانی که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی، کیفیت ارتکاب جرم و نوع جرم‌ارتکابی، آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار می‌دهد، ممکن است از میان اطفال و نوجوانان باشند.

لایحه قانونی تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۵۹ با اصلاحات ۱۳۷۵ نیز پیشگیری از وقوع جرم را به عنوان یکی از وظایف سازمان برشمرده است. بر این پایه، طرح‌های مختلفی در زمینه پیشگیری از جرم توسط سازمان بهزیستی کشور به اجرا گذاشته شده است که از میان آنها می‌توان به طرح‌های آموزش زندگی خانوادگی، آموزش مهارت‌های زندگی و برنامه همیاران به‌داشت روانی و به‌داشت‌یاران، کمک به اقشار محروم در جهت ارتقای سطح زندگی آنان، توجه به مسائل آموزش و پرورش نوجوانان و کمک به قشرهای آسیب‌پذیر و غیره اشاره نمود (بیات، شرافتی‌پور و عبدی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). انجام این امور که از آن به عنوان راهبردهای غیرمستقیم یاد می‌شود زمینه و علل بسیاری از جرایم را از بین برده و مانع از تحقق وقوع آن می‌گردد. بنابراین، از آنجا که افراد تحت پوشش حمایتی سازمان معمولاً افراد آسیب‌پذیر مانند کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست یا بدسرپرست هستند، بحث پیشگیری به‌ویژه پیشگیری رشدمدار اهمیت دوچندان می‌یابد.

قوانین برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به اهمیت پیشگیری از وقوع جرم نظر داشته است. برای نمونه، در بند «ز» ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ «تمهید سازوکارهای لازم برای پیشگیری از وقوع جرم بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی» و در ماده ۱۳۲ «...بازپروری مناسب و اصلاح و تربیت زندانیان با هدف بازگشت آنان به زندگی سالم اجتماعی...»، پیشگیری از جرم و اصلاح بزهاکاران را به‌عنوان یکی از ارکان سیاست جنایی ایران به رسمیت می‌شناسد (نجفی‌ایرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۶۴).

قانون ایجاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ در ماده ۹، سیاست پیشگیری از ظهور یا گسترش انحراف و مشکلات اجتماعی را از طریق فراهم کردن زمینه استقرار رفاه عمومی و ارتقای انواع حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی، مدنی و غیره (موضوع مواد ۱، ۳ و ۴ این قانون) در سطح جامعه را مورد تأکید قرار داده است. این سند هم یکی از منابع مهم در خصوص پیشگیری از جرم به‌ویژه پیشگیری اجتماعی به حساب می‌آید.

به استناد بند «د» ماده ۸ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹ یکی از وظایف پلیس ایران، پیشگیری از جرم است. در همین ارتباط پلیس با طیفی از مداخلات در حوزه پیشگیری اعم از انتظامی، وضعی و اجتماعی روبرو می‌باشد که در بخش اجتماعی آن نیز ارتباط و تعامل با مدارس و دانش آموزان از ویژگی خاصی برخوردار است. این مهم می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای را در روند جامعه‌پذیری نوجوانان به‌منظور کاهش بزهکاری ایفا نماید (رجبی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۲۳ و ۱۲۴).

در گستره اقدامات قضایی در راستای اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و اجرایی کردن بخش نخست بنده اصل ۱۵۶ قانون اساسی، دفاتر و مراکز متعددی بنیاد نهاده شده است. تأسیس مرکز مطالعات حقوقی قضایی دادگستری، تأسیس دفتر مطالعات و پیشگیری از وقوع جرم، تأسیس مرکز تحقیقات و پژوهش‌های قوه قضائیه، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، شورای عالی توسعه قضایی و دفتر حمایت از سرمایه‌گذاری و پیشگیری از مفاسد اقتصادی از این جمله می‌باشند.

برای تربیت نوجوانان جهت سازندگی و همچنین عاملی برای پیشگیری از بزهکاری، دولت‌ها باید کودکان را به صورت اجباری تحت آموزش‌های مختلف قرار دهند. آموزش یکی از ابزارهای عمده و اساسی برای تولید دانش، تغییر رفتار فردی و گروهی و مؤلفه ارزشمندی برای پیشگیری در زمینه‌های مختلف است. به‌همین دلیل اکثر سازمان‌ها برای تغییر رفتار، متقاعدسازی و فرایندهای پیشگیری به‌ویژه در خصوص آسیب‌های اجتماعی از این مؤلفه بهره‌مند می‌شوند. آموزش و یادگیری مختص آموزش و پرورش نبوده بلکه سایر نهادهای رسمی و غیررسمی نظیر والدین، گروه هم‌سالان، رسانه‌ها، مجامع عمومی و غیره در آموزش و پرورش انسان‌ها نقش‌های متفاوت و گاه بسیار مؤثر دارند. لیکن از آنجا که امر تعلیم و تربیت توسط مدارس در همه کشورهای جهان از دیرباز تاکنون مرسوم و حتا اجباری بوده و اطفال و نوجوانان بخش حساس عمر خود را در مدرسه می‌گذرانند و در همین حال، به غیر از مواد درسی، آموزش‌های متفاوتی را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در مدارس فرا می‌گیرند، از این‌رو، آموزش و پرورش به‌ویژه مدرسه موقعیت ممتاز و خاصی را در روند جامعه‌پذیری و یادگیری به خود اختصاص داده است (همان: ۱۶۰).

یکی دیگر از راه‌های مؤثر در خصوص پیشگیری از بزهکاری و حتی بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان توانمندسازی خانواده است. تقویت نهاد خانواده از ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین تقویت روابط میان اعضای خانواده در تحکیم بنیان و تشدید مبانی آن مؤثر بوده و موجبات اقدامات پیشگیرانه را از طریق کسب مهارت‌های لازم در برخورد با مشکلات رفتاری کودکان و برقراری ارتباط با سیستم‌های اجتماعی از جمله مدارس را فراهم می‌آورد. تحقیقات نشان داده «خانه‌های از هم گسیخته» که در آنها والدین تک سرپرست، سرپرستی کودکان و نوجوانان را به‌عهده داشته و یا خانواده‌هایی که روابط میان آنها شکننده است، در حمایت و مراقبت از فرزندان خود ناموفق بوده و زمینه‌های گرایش به بزهکاری در چنین خانواده‌هایی برای کودکان و نوجوانان براحتی فراهم می‌گردد. در ایران سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام

خیمینی(ره) به‌عنوان متولیان اصلی کمک به خانواده‌های آسیب‌پذیر، اشتغال و خودکفایی مددجویان را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت خود در دستور کار دارند.

پ) پیشگیری رشد‌مدار در گستره قوانین و مقررات انگلستان

۱. سیاست‌های ارتقای رفاه کودکان و جوانان

دولت انگلیس تمرکز ویژه بر پیشگیری را در سال ۱۹۹۷ آغاز کرد و درصد بهبود زندگی کودکان و خانواده‌ها و ارزیابی نقشی که ادراک خطر و فهم عوامل حفاظتی و پیشگیرانه از میزان آسیب‌پذیری و رفاه کلی کودکان می‌تواند داشته باشد برآمد. یک مقاله دولتی تحت عنوان «همه مسایل کودک» و در پی آن قانون کودکان ۲۰۰۴ و برنامه همه مسائل کودک تغییر برای کودکان، بر پنج نکته کلیدی تاکید می‌کند که هدفشان کاهش شکاف بین‌انگهی است که از رفاه برخوردارند و کسانی که از رفاه برخوردار نیستند. در این فصل همچنین دستورالعمل این امر که شامل ارائه همزمان خدمات در مورد نیازهای کودکان و خانواده‌ها، تاکید قوی بر مشاوره با کودکان و افراد جوان، بهبود در یکپارچه‌سازی خدمات سراسری، کمک تخصصی بیشتر برای ارتقای فرصت و پیشگیری از معضلات، مسئولیت مشترک در حمایت از کودکان و مدل‌سازی مجدد از نیروی کار است. بر پایه دستورالعمل سیاست‌گذاری گستره، عوامل حفاظتی کلیدی برای کودکان را می‌توان در چهار عرصه عمده تقسیم‌بندی نمود (باینر، ۱۹۹۸، لیور و اسمیت، ۲۰۰۰، پو، ۱۹۹۸). نخستین عرصه، محیط یا زمینه کلی است و آن استاندارد ناکافی برای زندگی است. دومین عرصه، خصوصیات کودک است؛ وضعیت یا حالتی است که ارائه مراقبت را ترغیب می‌کند. منجر به خود ارزیابی بالا، توانایی اجتماعی، استقلال، توانایی حل مشکلات و دقت درونی برای کنترل خود و محیط می‌شود. سومین عرصه، به خصوصیات و صفات خانواده بر می‌گردد. بر اساس این حوزه مراقبان قابل اعتماد در خانواده‌هایی به وجود می‌آیند که در آن دو یا چند فرد بزرگسال قابل اعتماد دارای عملکردهای مثبت و مناسب در مراقبت از کودکان وجود دارند. چهارمین عرصه، خصوصیات جامعه و محله زندگی فرد است. شبکه‌های حمایت اجتماعی از جمله گروه هم‌سالان حامی اجتماعی و مکان‌هایی که مدارس کودکان در آنجاست و مراکزی که کودکان در آنها دارای ارزش اجتماعی می‌شوند و تشویق به آموزش می‌شوند. تعدادی از اولویت‌های کلیدی در مراحل اولیه‌اشان از درون دولتی برخاستند که بارها از توسعه سیاست‌گذاری خبر داده بود. این سیاست‌گذاری‌ها به‌عنوان پشت‌صحنه‌نگاهی ریزبینانه‌تر به تغییرات نسبتاً رادیکالی عمل می‌کنند که در سال ۲۰۰۶ در راه‌اند. به واسطه افزایش چشم‌گیر تعداد کودکانی که در حکومت [محافظه کار] سابق در فقر زندگی می‌کردند. یک مورد در ده کودک در سال ۱۹۷۰ به سه مورد در ده کودک در سال ۱۹۹۷ تعهد مهم در هدف اعلامی، کاهش میزان فقر کودکان و ریشه‌کنی آن در بیست سال آینده بوده است. یک همبستگی قوی بین فقر و سلامت روانی و جسمی، موفقیت اندک تحصیلی مشکلات رفتاری، پرسه‌زنی و فعالیت مجرمانه، از طریق مطالعات بی‌شمار به اثبات رسیده است. سیاست‌گذاری‌های دولتی حمایت مالی زیادی را برای تمام خانواده‌ها ارائه داده‌اند و این حمایت با هدف منفعت رساندن به افرادی بود که بیشترین نیاز را داشته‌اند و انگیزه آن حمایت از والدین آسیب‌دیده و برگرداندن آنان به سرکار بوده

است. اگرچه پیشرفت‌هایی در زمینه کاهش تعداد کودکانی که در فقر زندگی می‌کنند صورت گرفته است اما تاکید زیادی بر کاهش نابرابری‌ها و باز توزیع ثروت نشده و شکاف بین فقیر و غنی هنوز در سطح غیرقابل قبولی مانده است.

بهبود دسترسی به شغل یک بخش کلیدی در تدبیر مبارزه با فقر و مشوق عمده‌ای در پشت برنامه رشد چشمگیر اقدامات مربوط به مراقبت از کودکان بوده است (سیلوا و پو، ۲۰۰۵). تاکید بر اشتغال، منجر به این شده که تعدادی از والدین احساس کنند که بین درخواست‌های متضاد بازگشت به کار برای کسب منافع و نیز اجرای درخواست‌های متعدد پدر یا مادر خوب بودن، گیر کرده و از دو طرف به شدت کشیده می‌شوند. علی‌رغم راهبرد یکپارچه نمادین در مراکز کودکان در سراسر کشور، یک تنش مداوم بین تامین تحصیلات اولیه با کیفیت بالا و مراقبت روزانه به منظور حمایت از والدین برای بازگشت به کار وجود دارد و یک روی دیگر سکه حمایت بهینه از خانواده‌هاست. مقاله دولتی سال ۱۹۹۸ با عنوان (حمایت از خانواده-ها) که توسط دفتر داخلی وزارت کشور در بخش مسئول سیاست‌گذاری‌های خانواده انتشار یافت) نیاز به نقش بیشتر دولت برای حمایت از والدین در پرورش کودکان را مورد تاکید و شناسایی قرار داد. این مقاله چند پیشرفت را که شامل دسترسی به حمایت از خانواده‌ها و افراد از طریق طرح‌های محلی موسوم به (شروع مطمئن) حمایت مالی بهتر، تعادل بهینه بین کار و زندگی خانوادگی تحکیم ازدواج و حمایت جدی از افراد و خانواده‌ها در مقابل مشکلات جدی، از جمله حمایت از نوجوانان است، پیشنهاد می‌کند. اخیراً یک صندوق بیست و پنج میلیون یورویی از توسعه تعدادی از برنامه‌های حمایت از خانواده و والدین حمایت کرده است. جزء لاینفک دستورالعمل مبارزه با فقر، تعهدی است که برای کاهش محرومیت اجتماعی در آن گنجانده شده است. در اینجا تمرکز اصلی بر بازسازی مناطق درون شهری و کاهش مدرسه‌گریزی و کاهش رفتار ضداجتماعی، بی‌خانمانی و بارداری دوران نوجوانی است.

بهبود بهداشت و ارتقای استانداردهای آموزشی از بخش‌های اصلی دستورالعمل سیاست‌گذاری بوده است. بعد از انتشار طرح سازمان بهداشت ملی در سال ۲۰۰۰ (که تقریباً هیچ‌جا از کودکان و نوجوانان اسم نمی‌برد مگر اینکه به آنان خوردن میوه را توصیه کند) یک گروه ضربت کودکان تاسیس شد تا چارچوب سازمان ملی کودکان را ایجاد کند (اداره بهداشت، ۲۰۰۴). این امر منجر به استانداردهای خدمات‌رسانی در تعدادی از حوزه‌های کلیدی از جمله بهداشت روانی و رفاه روانشناختی، کودکان معلول، کودکان دارای شرایط ویژه، کودکان بیمارستانی و کودکان تندرست و نوجوانان شد. تعهد به ارتقای استانداردهای آموزشی در طیف وسیعی از اقدامات مربوط به سیاست‌گذاری از جمله توسعه آموزش پرستاری و کاهش اندازه کلاس‌های مراقبت از کودکان و تمرکز بر بهبود سطح سواد و ارتقای قدرت خواندن و محاسبه در مدارس ابتدایی مشهود است.

صندوق کودکان به‌عنوان یک ابتکار بسیار محدود مالی که در دسترس همه مقامات محلی بوده و آنان را قادر ساخته که خدمات پیشگیرانه را به کودکان بین پنج تا سیزده سال و خانواده‌هایشان ارائه دهند، حائز اهمیت است. صندوق کودکان به دلیل تاکید و افری که بر کاهش رفتار مجرمانه وجود داشت تاسیس شد و کل این برنامه اکنون متشکل از بیست و دو طرح مرتبط است که از طرف وزارت کشور به منظور کاهش میزان بزهکاری تامین بودجه می‌شوند. انتخاب معیارهایی برای طرح-ها در درون این صندوق شامل ارتقای انسجام اجتماعی (با تاکید ویژه بر نقش بخش داوطلب) عملکرد چند نهادی و ارائه مشاوره به والدین و کودکان بوده است (سامسون و دیگران، ۲۰۰۵). این بودجه‌دهی از امنیت به دور بوده و صندوق مذکور

از همان سطح تبلیغ و تقدیری که طرح «شروع مطمئن» داراست برخوردار نیست. هنوز این به صورت یک مساله باقی مانده که وقتی کمک‌های اهدایی دوره‌ای در ماه آگوست سال ۲۰۰۷ به اتمام برسند، تا چه اندازه تاکید بر پیشگیری محفوظ و استوار باقی خواهد ماند.

سال‌های بعد از ۱۹۹۷ شاهد یک طوفان واقعی از اقدامات و برنامه‌ها در کنار طرح «شروع مطمئن» و «صندوق کودکان» از جمله یک تدبیر مراقبت از کودکان در سطح ملی بوده‌ایم که هدفش توسعه آموزش پرستاری برای مراقبت از تمام کودکان سه تا چهار ساله و توسعه مراکز کودکان و برنامه‌های «شروع مطمئن» و قانون مراقبت از کودکان سال ۲۰۰۶ بوده که نیازمند کمک مقامات محلی به منظور تضمین مراقبت از کودکان برای والدین در حال کار است. یک طرح خدمات ارتباط ملی که از طرف دولت تعبیه شده با ارائه هم زمان آموزش و پرورش، حمایت و مشاوره برای افراد جوان، برنامه حفاظت‌های کیفی، در تنظیمات مراقبت‌های اجتماعی، به همراه اقدامات بودجه‌دهی دوره‌ای که هدفشان بهبود و ارتقای شانس زندگی کودکانی است که تحت مراقبت مقامات محلی هستند و نیز در داخل مناطق محلی بودجه‌دهی به طرحی موسوم به سیاست جدید برای نوسازی جوامع و محله‌ها از جمله این اقدامات بی‌شمار هستند.

پنج موضوع کلیدی پژوهش «همه مسائل کودک» عبارتند از: تاسیس بنیادهای حمایتی در سال‌های اولیه زندگی کودک، تمرکز قوی بر وظیفه پدر و مادری و خانواده‌ها، مداخلات زودهنگام و حمایت کارآمد، مسئولیت‌پذیری و یکپارچگی بهتر در سطح محلی، منطقه‌ای، مالی و نیز اصلاح نیروی کار. این مقاله با ترسیم تجربه در آمریکا و در سطح گسترده‌تر در انگلستان، توضیح می‌دهد که چگونه از طریق جمع‌آوری بهتر داده‌ها و مشمول ساختن جوامع، یک تمرکز بر نتایج، جوامع محلی را قادر خواهد ساخت که به وضوح اولویت‌ها و کارآمدی ارائه خدمات را روشن سازند (اوتینگ و دیگران، ۲۰۰۱). انتشار پژوهش «همه مسائل کودک» این رویکرد را به عنوان هسته مرکزی توصیه‌هایش قرار داده است. اهداف کلی این پژوهش به-طور خلاصه عبارتند از: بهبود نتایج و شرایط برای تمام کودکان و کم کردن شکاف بین آنانی که عملکردشان خوب است و آنانی که عملکردشان بهینه نیست. بهبود و یکپارچه‌سازی خدمات عمومی، کمک تخصصی بیشتر به ارتقای فرصت‌ها و پیشگیری از مشکلات، پیکربندی مجدد خدمات در حوزه کودک و خانواده و تسهیم مسئولیت برای حفاظت از کودکان.

در حوزه‌های محلی، اقدامات و ترتیبات اجرایی جاری که توسط یک مدیر از اداره آموزش و پرورش و یک مدیر از بخش خدمات اجتماعی هدایت می‌شوند، جایشان را با یک مدیر خدمات کودکان و یک مشاور آشنا به امور کودکان و نوجوانان عوض می‌کنند. قانون کودکان مصوب سال ۲۰۰۴ نیازمند این تغییرات بوده و همچنین وظیفه‌ای را بر دوش مقامات محلی برای ارتقای همکاری بین نهادها به منظور توسعه رفاه کودکان و نیز اقدام هماهنگ به منظور حفاظت و حمایت از رفاه کودکان نهاده و اجازه ائتلاف منابع به منظور تحقق این اهداف را صادر کرده است.

برای کودکان در سن مدرسه، خدمات در حوزه مدارس یا مجموعه‌ای از مدارس شکل می‌گیرند و تا سال ۲۰۱۰ تمام مدارس در قالب طرح «مدارس توسعه یافته» درمی‌آیند که ارائه دهنده طیفی از فعالیت‌هایی است که از فعالیت‌های روزمره مدارس سنتی فراتر می‌روند (DFES، ۲۰۰۵). مدارس ابتدایی برنامه «مراقبت از کودک» را قبل و بعد از مدرسه ارائه می‌دهند و مدارس ثانویه (راهنمایی) هم قبل و بعد از فعالیت‌های موسیقی، ورزش و ایام تعطیل و فوق برنامه اقدام به گشایش این طرح می‌کنند. حمایت از والدین، بهداشت و مراقبت اجتماعی را می‌توان در مدارس یا پیرامون آن اجرا کرد.

۲. نخستین برنامه خانواده‌های نیوسالت ولز

این برنامه چهارساله در سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۹۸ آغاز شد. بنابراین نتایج ارزیابی نهایی آن هنوز قابل دسترسی نیست. خانواده‌هایی که دارای کودکان زیر ۸ سال بودند، هدف این برنامه قرار گرفتند. اما توجه ویژه‌ای به ۳ سال نخست زندگی کودکان معطوف شد (کمیته دائم حقوق و عدالت شورای قانونگذاری مجلس نیوسالت ولز، ۱۹۹۹) این تحقیق به ویژه از این نظر جالب است که تحقیق مذکور یک تلاش عمدی برای اتخاذ یک رویکرد کاملاً دولتی یا فرانهادی برای مداخلات اوان کودکی تحت هدایت یک نهاد مرکزی است. هدف اولین برنامه خانواده‌ها، ارائه فرصت شروعی بهتر برای زندگی کودکان بود و پیشگیری از جرم به‌عنوان یکی از نتایج مطلوب این برنامه‌ها، ساماندهی شده بود. محور اصلی برنامه، برنامه-ریزی و حمایت از تمام خانواده‌ها بود و سطح حمایت بستگی به نیازهای خاص هر خانواده داشت. به‌علاوه شرایط ارائه خدمات هماهنگ توسط نهادهای دولتی مانند بهداشت نیوسالت ولز، ادارات خدمات اجتماعی، اداره سالمندی و از کارافتادگی، آموزش و تحصیل و مسکن و همچنین برخی سازمان‌های غیردولتی وجود داشته است. بر این اساس بررسی مطلوبی از برنامه آزمایشی در ساحل شمالی نیوسالت ولز وجود داشته است.

۳. افسران رابط مدرسه

نیروی‌های پلیس در انگلستان همواره ارتباطی با مدارس داشته‌اند اما نقش آنها در خلال دهه ۱۹۷۰ بدنبال مصوبات قانونی که تاکید بیشتری را بر رویکرد پیشگیری و رفاه در مورد بزهکاری اطفال معطوف داشته به سرعت گسترش یافته است. در کل، کار پلیس با اطفال منجر به افزایش ارتباط پلیس با مدارس و همچنین نهادهای دیگری مانند خدمات اجتماعی گردید. این وظیفه اغلب متوجه افسران رابط مدرسه (افسران استخدام شده ویژه) می‌شود که اصولاً با مدارس کار می‌کنند. اولین برنامه افسران رابط تمام وقت مدارس در سال ۱۹۶۶ بوسیله پلیس شهر ساسکس ایجاد شد. تا اواسط دهه ۱۹۷۰ چند واحد دیگر پلیس افسرانی را مخصوص کار در مدرسه استخدام کردند. به‌عنوان مثال در ۱۹۸۰ در هامپشایر یک افسر پلیس به‌عنوان مشاور تمام وقت به یک مجتمع آموزشی که با قانون‌شکنی مواجه بود، اختصاص یافت و در سال ۱۹۸۱ نیز چهار افسر پلیس با کارکنان یک مجتمع آموزشی در شهر دورهام همکاری کردند. در سال ۱۹۸۷ در شهرهای دوون و کورنوال، ۲۲ افسر تمام وقت، هزار مدرسه را در سطح شهر تحت پوشش قرار دادند و یک مرکز مشاوره تمام وقت برای آموزش اخلاقی، به‌طور مشترک توسط پلیس و مقامات آموزش و پرورش ایجاد شد. در بقیه واحدهای پلیس، آنان افسران عادی بخش را حفظ کرده یا در ادارات آموزش و پرورش مستقر شدند. در کل به‌نظر می‌رسد که کار افسران رابط مدارس ترکیبی از آموزش و جمع‌آوری اطلاعات از دانش‌آموزان است. دسترسی پلیس به مدارس همچنین از سال ۱۹۸۶ که خطوط راهنما بین اتحادیه معلمان و پلیس به امضاء رسید، افزایش یافته است.

۴. مشارکت مدارس امن

برنامه مشارکت مدارس امن به‌عنوان یک برنامه بسیار هدفمند پلیس و مدرسه، در آوریل ۲۰۰۲ آغاز شد. این برنامه ابتکار مشترکی از سوی وزارت آموزش و پرورش، دادگاه اطفال و انجمن رئیس‌ان کلانتری‌ها بود. هدف محلی این برنامه، کاهش جرم و رفتار ضداجتماعی در درون و اطراف مدارس بود. این پروژه ۱۰۰ افسر پلیس را در مدارس منتخب از ۳۴ اداره آموزش و پرورش محلی، جایگزین کرد. این مدارس، در ۱۰ نقطه جرم‌خیز واقع بودند و با موارد متعدد بزهکاری اطفال، فرار از مدرسه و رفتار ضداجتماعی مواجه بودند.

پلیس به جای نقش آموزشی، یک نقش اجرایی در مدارس خواهد داشت و سطح بالایی از کاردان‌های پلیس را به مدارس خواهد آورد. هدف آنها برقراری روابط نزدیک با مدارس و جامعه است. تفاوت اصلی بین الگوی افسران کاردان پلیس در ایالات متحده با الگوی افسران رابط مدرسه در انگلستان هدف قراردادن مناطق و مدارس پرخطر توسط برنامه اخیر است (در حالی که الگوی ایالات مدرسه تمام مدارس را تحت پوشش قرار می‌دهد). هدف‌های این برنامه شامل پیشگیری و کاهش جرم و رفتارهای ضداجتماعی و وقایع مرتبط با آنها در داخل و اطراف مدارس است از جمله جرایم مربوط به: قلدری و جرایم خشونت‌آمیز توسط دانش‌آموزان و کارکنان مدارس، فرار از مدرسه و اخراج و خسارت به ساختمان مدرسه و جرایم مرتبط با مواد مخدر. استقرار ماموران پلیس در اماکن مدرسه آنان را قادر به حضور و واکنش سریع به حوادث می‌کند. آنان با مشارکت معلمان و سایر نهادهای آموزشی و مرتبط، برای شناسایی، حمایت و کار با کودکان و نوجوانان در معرض خطر بزه-دیدگی بزهکاری و محرومیت اجتماعی کار می‌کنند. این برنامه همچنین بخشی از مجموعه تدابیر مربوط به اصلاح رفتار دانش‌آموزان در مدرسه را شکل خواهد داد. اهداف خاص این پروژه آزمایشی عبارتند از: کاهش شیوع جرم و بزه دیدگی در میان نوجوانان و کاهش شمار حوادث و جرایم در مدارس و جامعه؛ ارایه محیط آموزشی سالم و امن که یادگیری را افزایش دهد؛ مراقبت از تحصیل دانش‌آموزان، یادگیری فعال و نیل آنان به ظرفیت‌های بالای علمی؛ درگیر کردن نوجوانان با چالش رفتار غیرقابل قبول و کمک به آنها برای افزایش حس احترام به خود و جامعه.

۵. تعامل، حمایت و آموزش پلیس به دانش‌آموزان

در انگلستان جهت پیشگیری از بزهکاری دانش‌آموزان، طرحی با همکاری پلیس و دانشگاه آکسفورد تهیه و به مورد اجرا گذاشته شد. خلاصه‌ای از جنبه‌های مثبت طرح مأمور مستقر در مدارس در ناحیه آکسفورد شایر شمالی شامل (به نقل از: Auger, 2008): ارائه حمایت از دانش‌آموزان در معرض خطر بالقوه؛ ارتباط با شمار زیادی از دانش‌آموزان از طریق تدریس آموزش اجتماعی به‌طور انفرادی؛ حل مؤثر مشکلات دانش‌آموزان در داخل و بیرون از مدرسه از طریق مهارت مأموران پلیس؛ تاکید به دانش‌آموزان که رفتارهای منفی پیامدهای منفی نیز دربردارد؛ تاکید به دانش‌آموزان که در مدرسه نیز مانند بخش‌های دیگر جامعه، اصول‌های رفتار یکسانی حکمفرما است؛ به‌کار بردن روش‌های ترمیمی برای بالا بردن روحیه عدل و انصاف در مدارس، به‌صورت بالقوه، شرکت‌کنندگان را قادر می‌سازد رفتار و طرز تفکر خود را تغییر دهند؛ برقراری ارتباط مؤثر با والدین؛ تغییر بالقوه نگرش کلیشه‌ای والدین و دانش‌آموزان نسبت به پلیس؛ تشویق دانش‌آموزان به بیان کردن مشکلات خود برای دیگران و بهبود حقوق که منجر به سلامت و ایمنی آنها می‌شود؛ و غیره.

دانشگاه آکسفورد در ارزشیابی خود به این نتیجه دست یافت که این الگوی توسعه‌یافته محلی بدون شک کاربردی بالقوه برای سیاست‌گذاری و اجرا در سطح ملی دارد.

۶. دادگاه اطفال و نوجوانان

دادگاه اطفال و نوجوانان به پرونده‌های بزهکاران بین ۱۰ تا ۱۸۷ سال (قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۹۱) رسیدگی می‌کند که بایستی بر مبنای قانون کودکان مصوب ۱۹۸۹ (Children Act 1989) مورد رسیدگی قرار گیرند. بر پایه این قانون، مقامات محلی ملزم هستند که اقدامات معقولی جهت کاهش رسیدگی کیفری علیه کودکان و افراد جوان انجام دهند. قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱، تغییراتی را ایجاد می‌نماید که تمامی آنها در راستای اصل رفاه هستند که در قانون کودکان تبلور یافته است (هیأت پژوهشگران کاوندیش، ۱۳۸۷: ۱۲۵). همان‌گونه که از این قوانین برمی‌آید دستورات و اقدامات متناسب با اطفال و نوجوانان بزهکار در راستای بازپروری آنان و جلوگیری از مزمن شدن بزهکاری در آنها است؛ به عبارتی، رویکرد پیشگیرانه رشدمدار مورد توجه سیاست‌گذاران کیفری قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

پیشگیری رشد‌مدار یک فرآیند است که از بدو تولد کودک آغاز می‌گردد و در طول روند شکل‌گیری شخصیت او در تعامل او با محیط و تحت تاثیر عوامل فردی و اجتماعی، پیوند او را با محیط پیرامون و فعالیت‌های فردی و اجتماعی او تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. همچنین متغیرهای روانی از جمله خود‌پنداره منفی، عدم اعتماد بنفس، ضعف عزت نفس، فقدان مهارت تصمیم‌گیری، نقص منع کنترل، عدم کف‌نفس، خطاهای شناختی و نگرش ناکارآمد را شامل می‌شود. کودک تجربیات و پیام‌های دریافتی از محیط را براساس ساختار عصبی و ویژگی‌های روانی خود پردازش نموده و بر مبنای تفسیری که از محرک‌های محیطی در سیستم ساختاری خود می‌کند رفتار خود را شکل می‌دهد. عنایت به طول مسیر رشد شخصیت به‌عنوان یک فرآیند از یکسو و نیز بررسی تئوری چند عاملی خطر در تبیین رفتارهای انحرافی و کجروی در کودکان و نوجوانان، ضرورت ارائه یک نظریه جامع و فرآیند را در این خصوص تقویت می‌نماید. نظریه‌ای که بتواند ضمن توجه به عوامل فردی و زیستی و بیولوژیکی، عوامل محیطی و ابعاد مختلف آن را نیز دربرگیرد.

با بررسی این موارد اهمیت خانواده به‌عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد آموزشی و تقویت خودکنترلی، اعتماد به نفس و تامین‌کننده نیازهای جسمی، ذهنی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی کودک بوضوح آشکار می‌گردد. هرگونه اختلال در کارکرد رشدی خانواده، تداوم مسیر رشد و یادگیری الگوهای اجتماعی را برای کودک دشوار و حتی غیرممکن می‌سازد. شایان ذکر است که جایگاه، اهمیت و کارکرد خانواده جهت اجتماعی کردن اعضا و دورکردن آنها از سقوط به ورطه بزهکاری در آموزه‌های دینی به‌شدت مورد تأکید است.

نقش مدرسه به‌عنوان نهادی که به‌طور رسمی در تکامل شخصیت کودک و آموزش الگوهای رفتاری و جامعه‌پذیری او نقش خطیری را به‌عهده دارد بعد از خانواده نمایان می‌گردد. در این راستا نیز هرگونه اختلال در سیستم کارکردی مدرسه از جمله خشونت در مدرسه، فقدان تعامل مناسب و دوستانه میان معلم و اولیای مدرسه با دانش‌آموز، ضعف یا شکست تحصیلی، تدریس نامطلوب می‌تواند روند مطلوب یادگیری را دچار مشکل ساخته و مسیر رشد را با مشکل مواجه سازد. در این راستا مدرسه نقش موثری را در ارتباط کودک با گروه هم‌سالان ایفا می‌نماید. کودک با عضویت در گروه هم‌سالان، احساس هویت کرده روند درونی شدن بسیاری از هنجارها در این محیط اتفاق می‌افتد. نهاد مدرسه با تقویت گروه هم‌سالان و آموزش حقوق و تکالیف عضویت در گروه هم‌سالان فرآیند این درونی کردن را نظام‌مند و جهت‌دار ساخته و کودک را در یادگیری ایفای نقش‌های اجتماعی و گروهی یاری می‌نماید.

رسانه نیز به‌عنوان موثرترین و پرنفوذترین وسیله ارتباطی می‌تواند نقش بسزایی را در کارکرد رشدی کودک ایفا نماید. رسانه با آموزش الگوهای ارتباطی و مهارت‌های زندگی و با یاددهی مهارت‌های تقویت خودباوری و اتکا به نفس، بهداشت روانی و آرامش فردی را در کودک تقویت نموده و از این طریق مسیر خطرناک انحراف و کجروی را از او دور می‌نماید. از این‌رو، در صورتی که رسانه نتواند در این زمینه موثر عمل کرده و یا از این ظرفیت در جهت منفی استفاده نماید قطعاً در روند یادگیری با ایجاد اختلال در مکانیسم‌های یادگیری و کنترل اجتماعی، زمینه انحراف را برای او فراهم می‌سازند. همچنین قرار گرفتن کنترل نشده کودکان و نوجوانان در معرض رسانه‌ها موجب می‌شود که آنان قبل از آن که روند تدریجی رشد

جسمی و فکری را سپری کنند به یکباره وارد دنیای بزرگسالان شوند و به دلیل عدم برخورداری از قدرت شناخت و قضاوت صحیح تحت تاثیر پیام‌های نامتناسب رسانه‌ای قرارگیرند.

مداخلات زودرس و رشدمحور براساس تئوری حق‌محور استوار بوده و در صورت به‌رسمیت شناخته شدن حقوق طفل و حمایت قانون از آن دارای ضمانت اجرا می‌باشد و در آن صورت است که می‌توان قائل به یک سیاست جنایی کارآمد رشدمدار در این عرصه شد. آسیب‌پذیری این قشر از جامعه ضرورت حمایت و این مداخلات را دو چندان می‌کند که البته مبنای آن را باید در خانواده و در ابعاد تربیتی، عاطفی، روانی زیستی و اجتماعی جستجو کرد.

از منظر رویکرد فقهی و آموزه‌های قرآنی نیز آنچه حائز اهمیت است این که بهره‌گیری از تعالیم اسلامی و پیوند تربیت کودک با احکام شرعی زمینه‌های تقویت باورهای دینی را در پروسه شکل‌گیری شخصیت کودک موجب گردیده و از این‌رو، زمینه‌های پیشگیری از انحطاط و سقوط او در آینده را فراهم می‌نماید. تزکیه و تقوی و دوری از خودبینی و خودبزرگبینی که به‌عنوان دو عامل موثر در بی‌پروایی در ارتکاب گناه شناخته شده، از همان اوان کودکی و در سال‌های اولیه زندگی باید در کودک نهادینه شود که این امر جز از طریق تربیت اسلامی و قرآنی میسر نمی‌شود.

پیشگیری از وقوع جرم به‌ویژه پیشگیری رشدمدار در گستره سیاست جنایی ایران مورد توجه سیاست‌گذاران کیفری قرار گرفته است. به نحوی که اصول قانون اساسی از جمله اصل هشتم و بند ۵ اصل ۱۵۶، قوانین و مقررات عادی، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های متعددی به اهمیت این امر پرداخته و سازوکار و تدابیر مختلفی را در راستای هم‌سازایی و اجتماع‌پذیری افراد ارائه نموده‌اند. همچنین در سطح اجرایی نهادها و سازمان‌هایی نظیر پلیس، سازمان بهزیستی کشور، کمیته امداد امام خمینی (ره) و غیره در خصوص آموزش مهارت‌های ارتباطی، زندگی و اجتماعی، سامان‌دهی اطفال و نوجوانان بی‌سرپرست یا بدسرپرست، ایجاد مراکز مشاوره و مددکاری و ارائه مشاوره‌های روان‌شناختی و انتظامی و غیره فعالیت دارند.

در گستره سیاست جنایی انگلستان نیز شورای توسعه نیروی کار کودکان که یک بنیاد جدیدالتاسیس است تعدادی از اصلاحات پیشنهادی شامل استخدام بهینه، توسعه نیروی کار و حفظ آنها را پیش خواهد برد. در کنار این، تأکیدی بر توسعه رهبری، مدیریت و نظارت و توسعه تدابیر محلی نیروی کار در درون همه طرح‌های «اعتماد کودکان» وجود دارد. از سال ۱۹۹۷ سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه‌ای در حوزه خدمات مربوط به کودکان و افراد جوان و خانواده‌ها انجام شده و هم‌اکنون نیز پیشرفت اساسی در حوزه خدمات مربوط به کودکان و افراد جوان و خانواده‌ها انجام شده و هم‌اکنون نیز پیشرفت اساسی در این حوزه صورت گرفته است. کودکان بطور فزاینده‌ای در بطن خانواده‌هایشان و جوامع دیده می‌شوند، تأکید بیشتری بر مشاوره با کودکان و افراد جوان وجود دارد، تعهد مداومی بر کاهش فقر کودکان وجود دارد، و در سطح مدیریت و ارائه خدمات هم مستندات جامعی دال بر بهبود کار مشترک نهادها و تمرکز بر بهبود نتایج برای کودکان وجود دارد.

فهرست منابع

۱. آشوری، محمد، عدالت کیفری (۲) (مجموعه مقالات)، ۱۳۹۲، تهران، انتشارات دادگستر.
۲. اردشیر، مرتضی، ۱۳۸۶، تربیت کودک در بیان پیامبر اعظم (ص)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین.
۳. اسماعیل تبار، احمد، ۱۳۹۲، عدالت کیفری کودک در منابع فقه شیعه، در: مجموعه مقالات همایش ملی عدالت کیفری کودکان و نوجوانان در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی، تهران، انتشارات دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
۴. امام خمینی (ره)، سیدروح الله، ۱۴۰۳.ه.ق، تحریر الوسیله، جلد ۲، تهران مکتبه الأعمتاد.
۵. بازگیر، یداله، ۱۳۸۷، قانون مدنی در آینه آراء دیوانعالی کشور، حقوق خانواده، جلد دوم، تهران، انتشارات بهنامی.
۶. بیات، بهرام، شرافتی‌پور، جعفر و عبدی، نرگس، ۱۳۸۷، پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع‌محور، تهران، انتشارات معاونت اجتماعی نیروی انتظامی.
۷. جبلی العاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین، ۱۳۹۰.ه.ق، الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه، جلد ۹، نجف اشرف، مطبع الآداب.
۸. حرالعاملی، شیخ محمد بن‌الحسن، ۱۴۰۳.ه.ق، وسایل الشیعه، جلد اول، انتشارات مکتب اسلامی.
۹. رجبی‌پور، محمود، ۱۳۸۷، مبانی پیشگیری اجتماعی از بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات منتهی.
۱۰. رشادتی، جعفر، ۱۳۸۷، پیشگیری از جرم در قرآن، تهران، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
۱۱. علی بن‌الحسین (ع)، صحیفه کامله سجادیه، ترجمه و شرح میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، انتشارات اسلامی، بی‌تا.
۱۲. کاری‌پور، رویر، مداخله روان‌شناختی اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتار مجرمانه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی، شماره ۳۶، ۳۵، ۱۳۸۱، ۳۰۴، ۲۶۷.
۱۳. کی‌نیا، مهدی، ۱۳۷۰، مبانی جرم‌شناسی، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۳، پیشگیری عادلانه از جرم، در: جمعی از نویسندگان، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، انتشارات سمت.
۱۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۳، مباحثی در علوم جنایی (تقریرات)، جلد اول و دوم، به کوشش شهرام ابراهیمی، تهران، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۱۶. هیأت پژوهشگران کاوندیش، ۱۳۸۷، نظام حقوقی انگلستان، ترجمه نسرین مهرا، تهران، انتشارات میزان.
17. Auger, Richard, 2008, Back to school, Police Reveiw Magazin.

